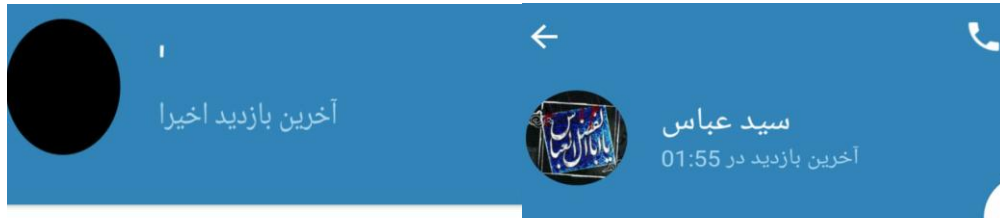


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه زنی ۲

تاریخ: ۱۳۹۶/۷/۱۳



@se\_dr00

نام کاربری

آیت الله کوهستانی رض: خدا یک علی داشت  
الحمد لله آن هم امام ما شد

@seyedabbas\_133

نام کاربری

حیدری (موافق؛ مدیر گروه ثقلین)

سیدعباس (مخالف)

ابرگروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابوالفضل ع

حیدری:

منظورم تایم های 5 دقیقه ای که نپری وسط

اگر میخوای باز ببندی و فرار کنی بگو از اول

الان ببینید مناظر است 5 دقیقه تمام شود و ببندد و فرار

در حالی که مطلب ما واضح بود

اگر میخوای باز ببندی و فرار کنی بگو از اول

تایمهای 5 دقیقه ای بحث کنیم برای روشن شدن حق یا جرات نداری؟؟

ببینید جرات جواب دادن ندارد

بنده تا شروع به ادله کنم فرار میکند و میبندد

کلام من واضح بود گفتم تایم ها 5 دقیقه ای باشد وسط کلام نپری

امشب فرار کنی ابروی نداشته ات بدتر میرود

تایم برابر میدید یا نه جرات ندارید؟؟

همه شاهد باشید باز چطور فرار کردند

منظور ما واضح بود در تایم برابر

سیدعباس:

خوب بسم الله

دوستان عزیز همان طور که شما مستحضر هستید این دومین شبی هست که حیدری بی سواد و مفلس وارد قتل گاه نواصب می شود برای بحث در باب قمه زنی و مشاهده کردید همان طور که ان شب بالای 30 دقیقه به او فرصت دادیم جز لودگی چیزی نداشت امشب هم آمد به جز لودگی چیزی دیگر نداشت و با بی ابرویی و افتضاحی که کاشت هم ابروی خودش را برد و هم ابروی طرفدارانش را

والا مطلبی نداشت که ما ردیه بزنیم لذا ما هم بیشتر به بحث کلامی می پردازیم و از رسوایی های او سخن می گوئیم

خوب این رجل بی سواد که دلیل برای قمه زنی از اهل بیت نداره به ناچار متمسک برای تخریب فقها شده و آمده برای بحث کردن خود را وصل به فقها کرده و بعد بگوید شما که ادله قمه زنی را باطل می دانی پس فقها هم باطل شدن

خوب این بی سواد هنوز نمی داند بحث اجتهاد و تقلید ربطی به بحث ندارد

اما هدفش از ورود به بحث اجتهاد اینه چون می دانه دلیلی برای قمه زنی نداره هدفش اینه از من اقرار بگیره که بگویم فقهای که قائل بر قمه زنی هستن کافر و فلانن بعد از این استفاده کنه علیه ما ولی کور خوانده ما همیشه اعلام کردیم نوکر ، نوکران مراجع هستیم

و 5 دقیقه باز به او فرصتا دادیم باز هم لودگی کرد و جوابی نداشت و فقط می گفت وقت بدید و وحال که وقت دادیم می گوید یک ساعت وقت بده

بلاین تناقض گویی ها جز اینکه ابروی خودتان را بردید و وقت کشی کردید بدانید چیزی بدرد خودتان و دیگران نخورد هیچی بلکه همان طور که در بحث با میکی موس داشتی باعث این می شدی چهار تا شیعه منحرف بشه و ما عامل نجات شدیم الان اینجا هم ابروی خودت را باز بردی  
دقت کنی تناقض رو :

**نقل قول از حیدری:**

**5دقیقه زمان میدی نپری وسط بعد بگویی بعد من؟؟**

برای او 5 دقیقه وقت بگیرید که بار دیگر ابرویش را ببریم

بعد فرارش رو از جواب ببینید

یک ساعت زمان لازم دارم همان که قول دادی

باشه؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

یعنی با این لودگی ها ابروی خودت را بپدی

و دوباره به او 5 دقیقه فرصت می دهیم تا از عقیده باطلش دفاع کنه

فقط شیعیانی که هم عقیده او هستن نگاه کنید

چگونه مفتضحانه داره ابروی خودش را می برد و دلیلی اقامه نمی کنه

تحدی برای مخالفین اجتهاد و تقلید و ولایت فقیه

شما جماعت که برای ولایت فقیه و اجتهاد و تقلید سند صحیح مطالبه می نماید محبت کنید یک روایت با سند

صحیح و صریح برای اثبات مشروعیت قمه زنی اقامه کنید

تذکره::

1. فقط از اهل بیت و قران باشد چون اجتهاد را باطل می دانید

2. هر گونه خروج از پاسخ به سوال به منزله بطلان اعتقاد هست

خوب تحدی مشخص شد

حالا 5 دقیقه دیگه بر او فرصت بدید

دوستان یادتان باشد

ان شب بالای 30 دقیقه وقت دادیم فراری شد امشب تا الان 5 دقیقه فرصت دادیم هیچ دلیلی ذکر نکرد

این 5 دقیقه دوشم شروع شد

حیدری:

5 دقیقه زمان میدی نپری وسط بعد بگویی بعد من؟؟

این را هر عاقل و منصفی میفهمد یعنی ادامه دهیم و ما فقط یک ساعت زمان خواستیم که جراتش را ندارند بدهند

برای بیان حق تا جایی که فرار نکنند پیش میرویم

منظور ما از سوالی که باز هم عاجز شدید از پاسخ این بود که جاهل هستی و نمیدانی ادله ی شرعی تمام مراجع و محدثین بر جواز قمه زنی همان بود که بنده عرض کردم

و احادیث را برای جواز جزع و لطم و ... می اورند

مطلب مهم این است که شما حتی لطم و حتی گریه ی بلند را هم مشکل دار میبینید

و مخالف تمام فقها و مراجعید و محدثین

حال شما اون حدیث اشداالجزع که آوردی دوباره بیار و معنی جزع رو ذکر کن و

فقط یک دلیل اقامه کن اون منظور اموات معمولی نیستند

سیدعباس:

خوب بسم الله

دوستان عزیز همان طور که مشاهده نمودید باز هم این اقا در دومین حضور خودش در قتل گاه برای اثبات قمه زنی هیچ دلیلی جز یاوه سرایی نداشت و به همه جا رفت جز اینکه یک دلیل برای تصحیح اعتقاد خود ذکر کنه

پس در دومین 5 دقیقه خود هیچ دلیلی برای اثبات قمه زنی ذکر نکرد

افرادی که بمثال ایشان اعتقاد دارند و مخالف تقلید هستند دقت کنید هیچ دلیلی ذکر نکرد بعدا نگوید قمه زنی دلیل از اهل بیت دارد

شما شیعیان ال محمد می دانید پویایی مذهب تشیع را هیچ دین و مذهبی ندارد و شیع برای اثبات عقیده خودش انقدر ادله متقن و مبسوط دارد که اصلا در هیچ یک از موضوعات اعتقادی خود نیاز به سیاه نمایی ندارد

و نیاز به ابطال باقی ندارد و نیاز به در و دیوار زدن ندارد بلکه یک روایت ذکر می شود و فاتحه شبهه خوانده می شود همان طور که شما در ردیه های ما بارها دیده اید ما با یک روایت شبهه را ساقط و باطل می کنیم و عقیده خود را ثابت نموده

حال اگر اینها صحیح العقیده هستن براستی چرا یک روایت ذکر نمی کنند؟ البته درست هست و حق دارند که ادله ذکر نکنند چون هر چه در استین و چنته داشتن عزرائیل مطرح نموده و ما هم باطل کردیم لذا چیزی برایشان باقی نمانده

حالا امشب در دومین تایم هم دلیل ذکر نکرده به جز فرار و لوده گویی و اتلاف و صرف وقت

همان طور که اینجا هم دیدید این اقا اقرار می کنه ادله برای قمه زنی چیزی جز لطمه زنی ندارد و جزع که گفتیم تعریف لطمه و جزع مشخص است و قمه زنی هم قید و تعریفش مشخص است و همان طور که شیطان گاری گفته در احکام تسری به موضوع می شود و ه غیر موضوع

و لطمه یعنی به صورت زدن و لزمه از مصادیق جزع است و ارتباطی با لطمه زنی ندارد

اللَّطْمُ: ضَرْبُكَ الْخَدَّ وَصَفْحَةَ الْجَسَدِ بِبَسْطِ الْيَدِ

زدن بر گونه‌ها و اندام بدن با کف دست را لطمه گویند.

لسان العرب، ابن

منظور، ج 12، ص 542.

اما ترجمه جزع

اینها رو یاد بگیر جایه دیگه گاف و سوتی ندی

جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که عرض کردم:

«... ما الجزع؟ قال: أشد الجزع الصراخ بالعويل و لطم الوجه والصدر و جز الشعر من النواصي و من أقام النواحيه فقد ترك الصبر...»

«...جزع چیست؟ فرمودند: شدیدترین نوع جزع، فریاد با صدای بلند گریستن و شیون زدن و بر صورت و سینه زدن و کندن مو از بالای پیشانی است و کسی که اقامه کند گلایه ها را پس به تحقیق صبر را ترک کرده است.»

الكافی: 3/223؛ وسائل الشیعة: 3/271؛ بحارالانوار: 79/89؛ مسکن الفؤاد: 51.

و مرحوم صاحب جواهر هم در ترجمه جزع چنین می گوید

صاحب جواهر ره چنین می نویسد:

علی أنه قد یستثنی من ذلك الأنبياء و الأئمة ع أو خصوص سیدی و مولای الحسین بن علی ع كما یشعر به الخبر المتقدم، و کذا غیره من الأخبار التي منها حسن معاویه السابق عن الصادق ع «کل الجزع و البكاء مکروه ما خلا الجزع و البكاء لقتل الحسین» المراد به فعل ما یقع من الجازع من لطم الوجه و الصدر و الصراخ و نحوها، و لو بقرینه ما رواه جابر عن الباقر ع «أشد الجزع الصراخ بالویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر» إلى آخره مضافا إلى السیره فی اللطم و العویل و نحوهما مما هو حرام فی غیره قطعاً، فتأمل

«علاوه اینکه انبیا و ائمه ع و یا خصوص آقا و مولایم حسین بن علی ع از حکم جزع استثنای می شوند؛ چنان که روایت پیش گفته و روایت های دیگر از جمله حسنه معاویه از امام صادق ع که پیشتر ذکر شد بدان اشاره دارد؛ «هر جزع و گریه ای مکروه است مگر جزع و گریه بر حسین». مراد از «جزع» افعالی از قبیل سیلی زدن به صورت و سینه و فریاد کشیدن و مانند آن است که از انسان بی تاب صادر می شوند ولو به قرینه روایت امام باقر ع که فرمود: «شدیدترین جزع فریاد به ویل و عویل و لطمه زدن به صورت و سینه و کندن مو است...» نیز شاهد بر این معنا است. علاوه بر این روایات، سیره [متدینان و شیعیان] در انجام دادن لطم و عویل و مانند آن - که در سایر مصیبت ها حرام است - بر جواز آن در این خصوص دلالت دارد. پس تأمل کن.»

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۳۷۱

اینها معنای جزع و لطمه هست که در آن اشاره ای نشده بر قمه زنی

حیدری:

خب جواب سوال مارو ندادند چون عاجز هستند و اصلا معنای عمومات و اصلاقات را نمیفهمند گمان کردند برای هر مسئله باید حدیث مشخص همان باشد

آن شب هم مثال زدیم زن امریکایی یا بردن پدر به شمال را

که هر عاقل و عالمی میفهمد اینها هم جائز است اگر حرامی مرتکب نشویم

چون امر کلی ازدواج و نیکی به والدین آمده

اما معنی جزع خدمت جناب بی سواد

الجزوع ضد الصبور علی الشر و الجزع نقیض الصبر.

جزع مطلق ضد صبر بر مصیبت می باشد و جزع نقیض صبر است نه تنها ضد صبر

لسان العرب، ج ۸، ص ۴۷

الجزع أبلغ من الحزن فإن الحزن عام و الجزع هو حزن یصرف الانسان عما هو بصدده و یقطعه عنه و أصل الجزع قطع الحبل من نصفه.

جزع حالت خاصی از حزن می باشد حالتی که انسان از شدت حزن و اندوه دست از کار کشیده و از انجام کارهای روزمره منقطع می شود و جزع در اصل به معنای بریدن طناب و دو نیمه کردن آن است

مفردات غریب القرآن، ص ۹۲

پس در لغت قید و حصر ندارد

اما حدیث اشد الجزع را بار دیگر تحدی میکنیم یک دلیل اقامه کنند بر اینکه مربوط به عزای سیدالشهدا است

حدیث واضح میفرماید ترک اینها ثواب دارد و انجامشان مخالف صبر

حال که ما میدانیم این اعمال برای عزای سیدالشهدا از بهترین اعمال است

یک دلیل اقامه کن اگر فهمیدی معنی حدیث را

و تحدی بعدی یک محدث بیاور در ابواب عزای سیدالشهدا آورده باشد نه اموات معمولی



این حدیث منظور اموات ما هستند نه حضرت امام حسین علیه السلام

و کلام صاحب جواهر هم مثال است نه حصر و قید

سیدعباس:

خوب بسم الله

اینجا ادعا کردند ما مخالفت با تمام فقها کرده ایم که این شخص اینقدر جاهل و نادان هست و نمی داند اختلاف اجتهادی به مرتبه انکار فقها نیست که با این کلو ابروی خودش را برد بلکه در اعصار تاریخ بین فقها اختلاف بسیار بوده ولی انکار رو اولین بار هست ما می شنویم که اختلاف دلالت بر انکار فقها دارد این هم از عجایب است

اما ادعا کرد مخالفت با تمام فقها هست من نمی دانم منظور شما از تمام فقها چه کسانی هستند؟ یعنی فقهایی متقدم و متاخر و معاصر تا زمان مرحوم صاحب عروه اینها فتوا به قمه زنی کرده اند که ما منکر آنها شدیم؟ واقعا با این استدلال و فقهایی که الان عدم جواز قمه زنی را دادند چه آنها هم خودشان و دیگران را منکر شدند هم اما گفتند از پاسخ به سولاتش فرار کردیم والا یا ایشان چشمشان ضعیفه یا اینکه قصد خواندن مطالب را ندارند که صاعقه خوردند بعد گفت زن امریکایی رو ببری شمال

خوب نگاه کنید استدلال این جاهل نادان را ایا بردن زن به شمال از احکام فقهی هست که برای ان دلیل ذکر کنیم؟

خوب وقتی اینقدر بی سواد هست که برای مسائل اجتماعی که غیر احکام هست نیازی به ذکر دلیل نیست ما به این فردی که اینقدر جاهل هست چه باید بگوییم؟

اما گفتند که تحدی می کنم که اشد الجزع برای عزای سید الشهداء هست اولاً که با این استدلال بطلان اعتقاد جزع کننده گان رو هم بر باد دادی و توهینی هم بر امام صادق هست که رحمت بر جزعه کنندگان نموده

وَ اَرْحَمُ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَّتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ اَرْحَمُ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ اخْرَثَتْ لَنَا وَ اَرْحَمُ تِلْكَ الصَّرْحَةَ

و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هائی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند ترحم فرما بار خدایا به فریادهائی که به خاطر ما بلند شده رحمتت رانازل فرما

کامل الزیارات: 117؛ بحار الأنوار: 98/51

بعد گفتند که لسان العرب گفته جزع یعنی ضد صریر، خوب بی سواد چیزی که ضد صبر باشد یعنی قمه بزن و شمشیر بردار برو قمه زنی کن خخخ

معنای جزع را معصوم و فقهای شیعه معنا کرده اند و مصادیق آن را نیز بیان نموده

حال شما خلاف معصوم عمل کرده و جزع که لطمه زنی هست را تسری بر قمه زنی کرده اید که این خلاف فعل معصوم وبدعت است

و پس تا اینجا هیچ دلیلی برای مشروعیت فعل قمه زنی مطرح نکرده اید

تا اینجا همان بدعت شما ثابت است

بفرما

بسم الله

حیدری:

اختلاف اجتهادی را دقت کنید و یاد اورید کلام اتباع عایشه و عمر و معاویه را

هر کاری کرده اند و جنایتی میگویند اجتهاد کرده و اجر برده

این در مذهب شیعه نیست

کلام علما تا زمانی حجت هست که موافقت از قرآن و روایات بر آنها وجود داشته باشد

کلام علما وقتی موافق ثقلین دلیل اقامه میکنند روی چشمان ماست

شما باید که مخالف مراجع بزرگ امروز شیعه امدید و حرام گفتید امر جائز و مستحب را

در ادامه کاملا مشخص است اصلا حالش خوب نیست حق هم دارد فشار سنگینی آمده تازه فرق صاعقه با جرقه  
فندکش را فهمیده

ما دو مثال زدیم

ازدواج با زن مسلمان امریکایی

بردن پدر به شما برای نیکی

که هر دو امر عام دارند اما حدیث خاص ندارند

همانطور هم جزع امر عام است و قمه زنی از مصادیقش

کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه

در ادامه باز سرش گیج رفت به جای اقامه ی دلیل بر اینکه حدیث اشد الجزع برای اموات معمولی نیست و به  
سید الشهدا علیه السلام هم ربط دارد آمده حدیث صرخه آورده

شما حصر و قید را هیچ فهمی مشکل ماست؟؟؟

سیدعباس:

خوب بسم الله

البته در مورد جزع یک نکته فراموشم شد که ارسال کنم که الان ارسال می کنم

سومین دلیل ما این بود

تنها دلیل شما برای قمه زنی همین جزع هست که با رد کردن ان قمه زنی شما هم باطل می شود

و شما هم اقرار کردید که ما ثابت کنیم اشد جزع برای سید الشهدا هست اگر شما جزع را جز عزا بدانید که  
مصدقش مشخصه اگر هم ندانید دیگر قمه زنی شما باطل است

و نکته جالب اینجاست که اهل بیت شدید ترین نوع جزع را تازه لطمه و گریه با صدای بلند می دانند که اگر بخواهیم درجه انرا برای امام کمتر بدانیم دیگه شاید شامل لطمه زنی هم نشود و از بیخ و بن طبق مدعی شما دیگه لطمه زنی هم باطل می شود

گفتند که کلام صاحب جواهر مثال هست و نه قید که باید به بی سوادی این شخص تبریک بگوییم که چون صاحب جواهر ترجمه جزع را ذکر کرده و این می گوید مثال زده و نه حصر خنخ

المراد به فعل ما يقع من الجازع من لطم الوجه و الصدر و الصراخ و نحوها،

مرحوم صاحب جواهر می گوید مراد از جزع کذا و کذا هست این می گوید قید نگفته مثال زده

ببخشید کلمه مراد را معنایش می دانی چه هست؟

« مراد »

(م) [ ع . ] (امف .) 1 - منظور، مقصود. 2 - خواسته ، اراده شده .

[ فرهنگ فارسی معین | واژه یاب ]

خوب توی بی سواد که معنای مراد را هم نمی فهمی چیه انوقت می خواهی با ما مناظره کنی؟

واقعا کسی که ادبیات فارسی را هم نمی فهمد شأنیت مناظره با ما رو دارد؟

گفتن اختلاف اجتهادی در اتباع عمریه هست و ربطی به تشیع ندارد ، حال انکه با این حرف به زعم خود به فقها توهین کرده ای که اخر نفهمیدیم الان شما مدافع علما هستی یا اینکه تکفیر انها کردی

بعد هم شما ادعا کردی ما با رد کردن قمه زنی مخالفت با همه فقها و محدقین کرده ایم به ما بگوید محدثین و فقهای متقدم و متاخر چه کسی دستور به قمه زنی داده بگوید کیست ما هم استفاده کنیم این هم تحدی دیگر

بعد گفتید که کلام فقها زمانی صحیح هست که مخالف با قران و سنت نباشه و ائمه نباشه ما هم همین را می گوییم پس تا اینجا شما دلیلی برای ذکر قمه زنی نکرده اید و با اختلافی هم که در قمه زنی هست شما هم قمه زنی رو باطل کردید زیرا اختلاف بین علما هست و هم اثبات کردید طبق نظر شما علما عمری هستند

در مورد ازدواج با زن امریکایی هم که گفتید می گویند ازدواج عمل مشروع هست و هر کسی که مسلمان باشد ازدواج با او جایز هست فقط شرط بر اسلام است و نه بر قومیت

این هم از جهل شما در ازدواج

در مورد هر شی حلال هست قاعده اصله اباحه می گویند این رو هم جواب داده ایم

حیدری:

بسم الله

جک سال: نقل قول از سیدعباس:

و نکته جالب اینجاست که اهل بیت شدید ترین نوع جزع را تازه لطمه و گویه با صدای بلند می دانند که اگر بخواهیم درجه انرا برای امام کمتر بدانیم دیگه شاید شامل لطمه زنی هم نشود و از بیخ و بن طبق مدعی شما دیگه لطمه زنی هم باطل می شود

علامه

خب اگر کمی عقل میداشتی و علم کلام مارا متوجه میشدی و این طور حالت بهم نمی ریخت

علما و عقلا متوجه شدند

دلیلی که می اورم دلیل تمام مراجع بزرگ و محدثین بزرگ است

شما سواد نداری مشکل ما نیست ..

اون حدیث اشد الجزع برای اموات معمولی هست نه حضرت امام حسین علیه السلام

چرا که حضرت میفرمایند ترک اون ائمه ویل و لطمه و ... ثواب داره و انجامش مخالف صبر

در حالی که برای سیدالشهدا علیه السلام دقیقا بر عکس است

حالا دیگه اگر متوجه نشوی یا نفهمی یا خودت را به نفهمی زدی که خب در هر حال فرقی دراصل بحث ندارد ..

در باره ی صاحب جواهر خودش در ادامه گفته و امثال اینها

باز هم دلیل نداشتی در رد استدلال تمام بزرگان

جاهلی خب وارد نشو در مسائل تخصصی مفتضح شی

حضرت امام سجاد علیه السلام میزان و حدّ جزع و فزع کردن در مصائب امام حسین علیه السلام را غالب تهی کردن نفس و مُردن بیان فرموده اند

قال حدثني أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه قال حدثني أبو عيسى عبید الله بن الفضل بن محمد بن هلال الطائى البصرى رحمه الله عليه قال حدثني أبو عثمان سعيد بن محمد قال حدثني محمد بن سلام بن يسار سيار الكوفى قال حدثني أحمد بن محمد الواسطى قال حدثني عيسى بن أبي شيبه القاضى قال حدثني نوح بن دراج قال حدثني قدامة بن زائدة عن أبيه قال قال علي بن الحسين عليهما السلام بلغني يا زائدة أنك تزور قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام أحياناً فقلت إن ذلك لكما بلغك فقال لي فلما ذا تفعل ذلك و لك مكان عند سلطانك الذى لا يحتمل أحدا على محبتنا و تفضيلنا و ذكر فضائلنا و الواجب على هذه الأمة من حقنا فقلت و الله ما أريد بذلك إلا الله و رسوله صلى الله عليه و آله و لا أحفل بسخط من سخط و لا يكبر فى صدرى مكروه ينالنى بسببه فقال و الله إن ذلك لكذلك فقلت و الله إن ذلك لكذلك يقولها ثلاثا و أقولها ثلاثا فقال أبشر ثم أبشر ثم أبشر فلأخبرنك بخبر كان عندى فى النخب البحر المخزون فإنه لما أصابنا بالطف ما أصابنا و قتل أبى عليه السلام و قتل من كان معه من ولده و إخوته و سائر أهله و حملت حرمه و نساؤه على الأقتاب يراد بنا الكوفة فجعلت أنظر إليهم صرعى و لم يواروا فعظم ذلك فى صدرى و اشتد لما أرى منهم قلقى فكادت نفسى تخرج و تبينت ذلك منى عمى زينب الكبرى بنت على عليهما السلام فقالت ما لى أراك تجود بنفسك يا بقية جدى و أبى و إخوتى عليهم السلام فقلت و كيف لا أجزع و أهلع و قد أرى سیدی و إخوتى و عمومى و ولد عمى و أهلى مصرعين بدمائهم مرملين بالعراء مسلبين لا يكفنون و لا يوارون و لا يعرج عليهم أحد و لا يقربهم بشر كأنهم أهل بيت من الديلم و الخزر.

ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه برايم نقل کرد و گفت ابو عيسى عبید الله بن فضل بن محمد بن هلال الطائى البصرى برايم نقل نمود و گفت ابو عثمان سعيد بن محمد برايم نقل کرد و گفت محمد بن سلام بن يسار كوفى براى ما نقل کرد و گفت احمد بن محمد واسطى برايم نقل نمود و گفت عيسى بن ابى شيبه القاضى برايم نقل کرد و گفت نوح بن دراج برايم نقل کرد و گفت قدامة بن زائدة برايم حديث کرد و از پدرش نقل کرد پدرش

گفت امام سجّاد علیه السّلام فرمودند ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام می روی عرض کردم همان طور است که خبر به سمع شما رسیده امام سجّاد علیه السّلام فرمودند برای چه مبادرت به چنین فعلی می ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می دهد و فضائل ما را ذکر می کند و حقی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می نماید محضر مبارکش عرض کردم به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و از غضب و سخط کسی که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه ام گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می باشد امام سجّاد علیه السّلام فرمودند تو را به خدا سوگند امر چنی است عرض کردم به خدا سوگند امر چنین است امام سجّاد علیه السّلام سؤالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو نمودم سپس ایشان فرمودند بشارت باد ترا بشارت باد ترا بشارت باد تو را لازم شد خبر دهم تو را به حدیثی که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده ای است که جزء أسرار مخزونه می باشد و آن این است زمانی که در کربلا آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم امام حسین علیه السّلام و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلش علیهم السّلام که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان ایشان علیهم السلام را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند

این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود و بمیرم

این هیئت و حالت را وقتی عمه ام حضرت زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیهم السلام از من مشاهده نمود فرمود این چه حالی است از تو می بینم ای یادگار جد و پدر و برادرم علیهم السلام چرا با جان خود بازی می کنی

من گفتم چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود علیهم السلام را در خون خویش طپیده عریان و برهنه بوده جامه هایشان را از بدن بیرون آورده اند بدون این که کفن شده یا دفن گردیده باشند احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می باشند

سیدعباس:

بسم الله

همان طور که تا کنون مشاهده کردید یک دلیل هم برای قمه زنی ذکر نکردند و تنها دلیلشان همان جزع بود که همان جزع رو برای مرده معمولی می داند و نه معصوم پس دیگه ادله ای برای اینها باقی نمی ماند و ابروی خودشان را بردند و تا اینجا ثابت شد دلیلی واضح و بین و صریح برای قمه زنی وجود ندارد

بعد گفتش تو مطالب کلام من را متوجه نشدی، مگر تو علم کلام سرت می شود؟ خخخ تو معانی لغات را نمی فهمی معنی کلمه ساده مراد را نمی فهمی چه برسه بحث کلام بکنی

گفتید فقها دلیل دارید همه قائل بر قمه زنی هستند که فرار از تحدی کردی و پاسخ ندادی و ابروی خودت را بردی

گفتید که حدیث اشد جزع برای اموات معمولی هست که در پاسخ می گویم اگر اشد برای معمولی هست پس اهل بیت برای خود اشد الجزع قائل نیستن بلکه فقط افرادی که جزع کرده اند را مورد رحمت قرار دادند که یک مرتبه از اشد پایین تر است و دیگه شامل حال شما کلا چیزی نمی شه و ادله قمه زنی هم باطله

اما در مورد مرحوم صاحب جواهر هم اولاً مشخص شد معنای مراد را هم نمی فهمی بعد گفتی که گفته مثال اینها ن مثال آنها یعنی در قید و حصر اینها و نه خلاف اینها پس به مثال اینها در طول همین قیودی هست و ربطی به قمه زنی ندارد

پس همان طور که مشاهده نمودید این بی سواد معنای مراد را هم نمی فهمد که در کلام صاحب جواهر بود مراد یعنی مقصود و منظور و ایشان هم مقصود از جزع را لطمه زنی تصریح کردن یعنی زدن به صورت و نه قمه زنی بعداً این بی سواد می گوید ایشان مثال زده و نه حدس ههه

والله ابروی خودت را بردی

<https://telegram.me/ghamezani2/89>

الهیاری در این کلیپ تصریح می کنه در احکام هر حکمی مربوط به موضوع خودش هست، محبت کنید مطالبه ما رو پاسخ دهید و بفرمائید در کدام روایت جواز به قمه زنی به عنوان مواسات داده شده است



پس شما در مسائل شرع و احکام یک بدعتی به نام

قمه زنی گذاشته اید

که برای ان هیچ دلیلی با سند صحیح و صریح ندارید

و همان طور که الهیاری بیان کرده شما باید برای این حکم شرعی یک دلیل صحیح و صریح بیاورید و در احکام هم حکم مربوط به خودش است و متعلق به خودش است و نه غیر خودش

اما بعد که دلیلی برای اثبات قمه زنی نداشتید تنها راه خود را اصله اباحه دیده اید و می گویند وقتی حرمت عملی ثابت نشده دلالت بر حلیت عمل می کنه، اولاً که چطور شما وقتی به ولایت فقیه و تقلید می رسید یک دلیل هم مطلقاً برای حرمت ولایت فقیه برای فقها و تقلید برای فقها ندارید این قاعده فراموشتان می شود و ان وقت اینجا که دلیلی برای قمه زنی ندارید به این قاعده متمسک می شوید؟

ثانیاً شما هنوز مشروعیت قمه زنی را ثابت نکرده اید که بخواهید بگویند عدم حرمتش ثابت است و از قاعده اصله اباحه استفاده کنید زیرا عملی که مشروعیتش ثابت نشده دلیل بر اثبات بدعتش دارد و بدعت هم حرام هست که دلالت بر حرمت قمه زنی می کند

اما آنچه دیگر که می توان در قاعده اصله اباحه شما می توان گفت

اولاً در استناد به اصله اباحه فقهای شیعه متفق القول نیستند و در ان اختلاف دارند در باب قمه زنی

ثانیاً این قاعده نمی تواند دردی از شما را درمان کند زیرا الهیاری دلیل و شرط عمل به فعلی را اخذ روایت می داند و نه قاعده اصله همان طور که در بالا صوتش را ارسال کردم

ثالثاً خود الهیاری تصریح کرده در بسیاری از مسائل روایات به دست ما نرسیده و اگر هم کسی بخواهد از پیش خود حکم بسازد ، حکمش دین خدا نیست پس این قاعده بدرد شما نمی خورد چون دلیلی برای مشروعیت ان ندارید در نتیجه عمل شما مربوط به دین خدا نیست و با اصله اباحه نمی توانید مشروعیت عمل را ثابت کنید زیرا وقتی هنوز مشروعیت ثابت نشده دلیل برای بدعت عمل است و بدعت عمل هم حرام است همان طور که الهیاری می گویند روایات در خیلی مسائل به شما نرسیده و حکم کردن در مورد مسائلی که حکم اسلام در ان

نیست مساوی هست با حکم کردن خلاف حکم خدا که این همان بدعت و باطل است که شما برای قمه زنی هیچ دلیلی صحیح و صریحی ندارید

این هم کلیپش

<https://telegram.me/ghamezani2/95>

در نتیجه بر اساس این اقرار الهیاری قاعده اباحه دردی از شما را دوا نمی کند که بخواهید حکمی برای عملی صادر کنید زیرا برای ان حکمی صادر نشده و صدور حکم از جانب شما یعنی عمل بر خلاف دین خدا

رابعا شما از طرفی می گوید از قاعده اصله الاباحه استفاده می کنید حال آنکه طبق این قاعده در باب یک مسئله ای نه در بخش استحباب و نه حرمت و نه حلیت و نه کراهتی روایت وارد نشده لذا از این قاعده استفاده می کنند در نتیجه اگر در این باره روایتی وارد نشده انوقت چطوری شما به روایات استدلال می کنید؟ پس مشخصه روایت طبق قاعده شما برای جواز قمه زنی وارد شده و طبق تعریف اصله الاباحه که ذکر کردیم اصلا قمه زنی جز اصله الاباحه نیست چون طبق قاعده شما برای ان روایت هست و دیگر متوقف بر قاعده اباحه نخواهد بود

وگفتیم الهیاری اعتقاد به اباحه ندارد و دین را ماخوذ می داند و می گوید در دین در بعضی از مسائل روایت نیامده و وقتی نیامده از پیش خود نباید حکم کنی که اگر بکنی خلاف دین خدا عمل کردی

پس جواب شما رو الهیاری داده و می گوید قاعده اباحه وارد نیست چون روایت در باب حلیت و جواز قمه زنی نیست و شما هم از پیش خود نمی توانی حکم کنی چون خلاف دین خدا عمل کردی

بعد گفتند که ما حدیث صرخه آوردن که عرض کردم ایشان عینک نداره

وَ اِرْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ اِرْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ اِرْحَمْ تِلْكَ الصَّرْحَةَ

چشم شما جزع را برای معصوم نمی بیند؟ خخخ

بعد گفتند دلیل برای جزع مرده بیاوریم که این هم روایت برای جزع غیر معصوم

شیخ صدوق رح در کتاب کمال الدین و تمام النعمه آورده است:

حدثنا أبي - رحمه الله - قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن - عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن أبي الحسن ظريف بن ناصح، عن الحسن ابن زيد قال: ماتت ابنة لأبي عبد الله عليه السلام فراح عليها سنة، ثم مات له ولد آخر فراح عليه سنة، ثم مات إسماعيل فجزع عليه جزعا شديدا فقطع النوح، قال فقيل لأبي عبد الله عليه السلام: أصلحك الله أيناح في دارك؟ فقال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لما مات حمزة: لبيكين حمزة لا بواكي له .

یکی از دختران حضرت امام صادق علیه السلام، فوت کرد، پس حضرت علیه السلام، یک سال بر او نوحه کردند . سپس فرزند دیگری از ایشان مرحوم شد، امام علیه السلام یک سال نیز بر او نوحه نمودند . سپس اسماعیل ( فرزند دیگر امام علیه السلام ) از دنیا رفت، پس امام علیه السلام، در مصیبت او، جزع و بی قراری شدیدی کردند و نوحه قطع شد . کسی به ایشان عرض کرد : آیا در منزل شما نوحه می شود؟ امام علیه السلام پاسخ دادند : وقتی حمزه از دنیا رفت، رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند : اما کسی بر حمزه گریه نمی کند .

کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، صفحه 73 ، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی

این هم ربطی به قمه زنی ندارد که در تایم بعد ردیه می زنم

پس تا اینجا ادله ای برای قمه زنی ذکر نشد

تایم آخرت هست هر چی داری بگو

حیدری:

بسم الله

خب همانطور که هر عاقل و منصفی متوجه شد تنها دلیل این انسان بی سواد در رد اطلاق جزع و جواز هر امر که حرمتی نداشته باشد و از مصادیق عرفی جزع باشد حدیث اشدالجزع بود که حتی یک قرینه نتوانست اقمه کند برای رد استدلال ما که اتفاقا استدلال محکم تمام فقها و محدثین بزرگ ما هست در جواز و استحباب قمه زنی

در ادامه باز حرفهای جاهلانه اش را تکرار کرده

جناب دکتر :

گفتید که حدیث اشد جزع برای اموات معمولی هست که در پاسخ می گوییم اگر اشد برای معمولی هست پس اذهل بیت برای خود اشد الجزع قائل نیستن بلکه فقط افرادی که جزع کرده اند را مورد رحمت قرار دادند که یک مرتبه از اشد پایین تر است و دیگه شامل حال شما کلا چیزی نمی شه و ادله ثقمه زنی هم باطله

حیف ایام عزاست و نمیشود خندید به حالت

بدبخت امام فرمودند اینها بالاترین جزع برای امواتان است

که اگر ترک کنید ثواب دارد

و انجامش مخالف صبر افتاد ولی خب خودت را زدی به نفهمی ..

بعد هم که عاجز شده رفته اللهیاری را بریده کلامش را آورده بر ما دلیل قرار دهد

و چندین پیام بی ربط فروارد کرده

حتی یک قرینه نتوانست بیاورد

و نشان دادیم برای حضرت سید الشهداء امام معصوم امام سجاد علیه السلام به حالت مرگ در می آیند

یعنی تا آن حد جزع جائز است

حالا دیگه قضاوت با حلال زادگان منصف و عالم و عاقل

کلام مطابق ثقلین ثابت کرد قمه زنی را و مطابق استدلال بزرگان فقها و محدثین بود

و منتظریم جرات کنند مناظره ی قیام را هم بپذیرند

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سیدعباس:

بسم الله

خوب دوستان دقت کنید که هیچ دلیلی برای قمه زنی ذکر نشد که اولاً صریح باشه دوماً صحیح باشه

این روایت اولاً که مملو از مجاهیل و ضعف است و در آن راویانی هستن که ضعیف هستند و مجهول مانند قدامه بن زائده و ایضا برای محمد بن سلام بن یسار سیار هم ترجمه ای درست و درمان پیدا نکردیم علی کل حال آنچه که از ایشان باقی مانده در روایت از امام سجاد به این شکل است

امام صادق علیه السلام فرمودند :

إِنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ بَكَى عَلَى أَبِيهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، صَائِماً نَهَارَةً، قَائِماً لَيْلَةً، فَإِذَا حَضَرَ الْإِفْطَارُ جَاءَ غُلَامُهُ بِطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ فَبِضْعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ: كُلْ يَا مَوْلَايَ، فَيَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَطْشَانَا، فَلَا يَزَالُ يُكْرِّرُ ذَلِكَ وَيَبْكِي حَتَّى يَبِلَ طَعَامُهُ بِدُمُوعِهِ، وَيَمَزْجُ شَرَابَهُ بِدُمُوعِهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

امام زین العابدین علیه السلام چهل سال برای پدر بزرگوارش گریه کرد، در حالی که روزش، روزه‌دار بود و شبش، شب‌زنده داری می‌کرد، هنگامی که وقت افطار می‌شد غلامش غذا و نوشیدنی برای او می‌آورد و جلوی او می‌گذاشت و عرض می‌کرد: بخورید، امام علیه السلام می‌فرمودند: فرزند رسول خدا علیه السلام گرسنه و تشنه شهید شد. این جمله را تکرار می‌کرد و گریه سر می‌داد تا اینکه آب و غذایش با اشک چشمش مخلوط می‌شد. او همواره چنین بود تا اینکه به جوار رحمت حق شتافت.

وسائل الشيعة - آل البيت نویسنده : الشيخ الحر العاملي جلد : 3 صفحه : 282

گفتید که این جزع ها برای امواتان هست اقا نمی دانم شما بی سوادى یا خودت را زدى بر بی سوادى؟

از امام در مورد جزع سوال شده که کیفیت جزع چیست؟

ایشان در ترجمه جزع فرموده اند کذا و کذا هست ایا فهم ان سخت است؟

جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که عرض کردم:

«... ما الجزع؟ قال: أشد الجزع الصراخ بالعويل و لطم الوجه والصدر و جز الشعر من النواصي و من أقام النواحي فقد ترك الصبر...»

«...جزع چیست؟ فرمودند: شدیدترین نوع جزع، فریاد با صدای بلند گریستن و شیون زدن و بر صورت و سینه زدن و کندن مو از بالای پیشانی است و کسی که اقامه کند گلایه ها را پس به تحقیق صبر را ترک کرده است.»

الكافي: 3/223؛ وسائل الشيعة: 3/271؛ بحار الانوار: 79/89؛ مسكن الفؤاد: 51.

و گفتیم فقها هم با استدلال بر این روایات کیفیت جزع را اینگونه تعریف کرده اند

صاحب جواهر ره چنین می نویسد:

على أنه قد يستثنى من ذلك الأنبياء والأئمة ع أو خصوص سيدي و مولای الحسين بن علی ع كما يشعر به الخبر المتقدم، و كذا غيره من الأخبار التي منها حسن معاوية السابق عن الصادق ع «كل الجزع و البكاء مكروه ما خلا الجزع و البكاء لقتل الحسين» المراد به فعل ما يقع من الجازع من لطم الوجه و الصدر و الصراخ و نحوها، و لو بقربنه ما رواه جابر عن الباقر ع «أشد الجزع الصراخ بالويل و العويل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر» إلى آخره مضافا إلى السير في اللطم و العويل و نحوها مما هو حرام في غيره قطعاً، فتأمل

«علاوه اینکه انبیا و ائمه ع و یا خصوص آقا و مولایم حسین بن علی ع از حکم جزع استثناء می شوند؛ چنان که روایت پیش گفته و روایت های دیگر از جمله حسنه معاویه از امام صادق ع که پیشتر ذکر شد بدان اشاره دارد؛ «هر جزع و گریه ای مکروه است مگر جزع و گریه بر حسین». مراد از «جزع» افعالی از قبیل سیلی زدن به صورت و سینه و فریاد کشیدن و مانند آن است که از انسان بی تاب صادر می شوند ولو به قرینه روایت امام باقر ع که فرمود: «شدید ترین جزع فریاد به ویل و عویل و لطمه زدن به صورت و سینه و کندن مو است...» نیز شاهد بر این معنا است. علاوه بر این روایات، سیره [متدینان و شیعیان] در انجام دادن لطم و عویل و مانند آن - که در سایر مصیبت ها حرام است - بر جواز آن در این خصوص دلالت دارد. پس تأمل کن».

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۳۷۱

و حدود انرا هم مشخص کردن که چیست

بعد گفتید که قضاوت با حلال زاده گان اولای این توهین بزرگی هست بر افرادی که مخالف قمه زنی مستن و آنها را حرام زاده خواندید

ثانیا حرام زاده الهیاری هست

ثالثا الهیاری خدای شماست از باب الزام رجوع کردیم

رابعاً شما قبلاً هم گفتید که فقها و حدیثین را منکر شده ایم چون آنها اعتقاد بر قمه نی بودن حال آنکه تحدی کردم کدام فقیه و محدث از متاخر قمه زن بوده که فرار کردی و جواب ندادی

و سد یزدی صاحب عروه هم گفته قدما قائل بر این توا نبودن و ایشان هم انرا باطل می دانست یعنی قمه زنی را

این هم صاعقه تقدیم به شما

فتوای مرحوم سید کاظم یزدی (ره) مشهور به صاحب عروه:

برای تیغ زدن برای امام حسین، از اهل بیت دلیل نداریم

سابقین از علما رخصت نداده اند

زخم بر بدن زدن، حرام نیز هست

غایه القصوی در ترجمه عروه الوثقی، ج 2، ص 328

<https://telegram.me/ghamezani2/123>

جدی برسد که اعراض ازان کرده شود که در اینصورت باید نیست جواز احياء ان چون ظاهر  
 اینست که حرم مملوک نیست اگر چه استناد با کثیر داده اند لکن لو کیت انرا بلکه حق آنها است پس اگر از  
 صدق حریت افتاد ولو باین مانع مستتر دور نیست جریان حکم اباحه اصلیه بران (سوال ۵۰)  
 جواز غیبت در مجامع مخصوص بدست مجامع فیه است یا مطلق است و در مقام نظر مطلقاً جایز  
 است که در نزد هر کسی غیبت او نماید یا آنکه مخصوص کسی است که رفع ظلم نماید و در خصوص  
 جان ظالم باید باشد یا مطلقاً جایز است (ج) احوط در هر سه مسئله اقتضای است علی در مجامع  
 اگر الفاء جلاب حیا کرده باشد باید نیست جواز غیبت او مطلقاً لکن المرمه له ح شرعاً اقوله  
 ع من التي جلاب الحياء فلا غيبة له و در منظم م اگر ترك نظر حرج باشد بر او ممکن است تعمیم  
 لکن ترك احتیاط نشود (سوال ۵۰) در تریه داری حضرت سید الشهداء ارواحنا فداء  
 شخصی زخمی مثل تیغ و غیره بر خورد بزند جایز است یا نه و علی التقدير بین اگر شخص بر بدن دیگری  
 چه باغ و چه غیر باغ چه عزیز و چه غیر عزیز زخمی زند باذن خودش اگر باغ باشد و باذن ابرویش اگر  
 غیر باغ باشد چه حکم دارد و ضمناً و تکلیفاً نسبت بزننده و زده شده و اذن دهنده و علی تقدیر جواز  
 اگر کسی در جمیع صور مقدمه این افعال را بقصد مشروعیت و بعنوان عبادت بجا آورد چه حکم  
 دارد و یا در نزد حضرت حسین ح حرام و مبطل عمل است یا نه و بر تقدیر جواز در جمیع شقوق  
 سابقه مقتضای احتیاط فعل این عمل است یا ترك (جواب) تریه داری حضرت سید الشهداء  
 ارواحنا فداء باید بخوری باشد که از خوردن آن هدی صلوات الله علیهم رسیده و بیل زخم زدن اذن  
 از ایشان رسیده است و سابقین از علماء رضوان الله علیهم هم رخصت نداده اند و زخم زدن بر بدن  
 دیگری جایز نیست اگر چه خودش اذن بدهد مگر در مقام علاج اوجاع و بر فرض زدن دبه ثابت  
 نیست چون عمد است و در عمد قصاص است نه دبه و ثبوت قصاص هم چون باذن بوده معلوم نیست  
 مگر در غیر باغ که اذن او در غیر نیست و اذن ولی هم نمی تواند پس از برای غیر باغ حق انتصاص  
 ثابت است و اقیان باهمال مذکور بقصد مشروعیت و بعنوان عبادت تشریح است و راه حرام است  
 در جمیع عبادات و بناکی که مستحب است رعایت و هم چنین اگر کسی نباید فقیر کره کردن را  
 یا تریه داری خود را که مفروض این باشد که بقصد قربت محض بوده و غرض او ترغیب دیگری

غَايِبًا لِقَبْضِ  
 دَر رَحْمَةِ عُرْوَةِ الْوَلَدِ  
 حَضَرَ آيَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ السَّيِّدِ مُحَمَّدٍ كَاطِمٍ  
 الطَّبَّاطِبَايُ الْيَزْدِيُّ قَدَسَ سِرُّهُ  
 تَرْجُمَةُ حَاتِمِ الْمُحَدِّثِينَ قَامِي حَاجِّ شَيْخِ عَبَّاسِيَّةِ  
 انشادات المكتبة المرتضوية لآخيا الأئمة الجعفرية  
 تهرن ناصر خسرو پاشا مجتهد

پس اولاً فقهای گذشته اعتقادی بر ان نداشته و اعتقاد شما بر محدثین که قائل بر ان هستن گراف و باطل و

بیهوده و عبس و دروغ است

اما نتیجه

باز هم اقایان دلیلی بر قمه زهی نکردن

و از فتوای علما هم که خواستن به ان استناد کنن از محدثین چیزی نیاوردن

از متقدمین چیزی نیاوردن

باز هم عقیده انها باطل شد

و در پایان هم تشکر می کنم از همه که وقتشان را گرفتیم